فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۱۶۳-۱۵۳ Vol 3. No 27. 2018, p 153-163
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

آزادی مشروط جلوه ای از اصل کیفرزدایی در سیاست جنایی ایران

سعید داروگری. اکبر وروایی

چکیده

گفتمان یا به قولی پارادایم حاکم بر حقوق کیفری نوین را می‌توان به نوعی در اندیشه تحدید دامنه حقوق کیفری جستجو کرد. این آموزه، درصدد محدود ساختن مداخله حقوق کیفری در مناسبات و روابط اجتماعی و حقوقی افراد جامعه است. در مطالعه‌ی مبانی این آموزه، می‌توان به مواردی چون اصل برائت، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری اشاره کرد. از جمله اهرم و سازوکارهایی که می‌توان در راستای تحدید حقوق کیفری به آن اشاره کرد عبارتند از جرم زدایی که یکی از مکانیزم‌هایی است که از سوی قانونگذار، مورد استفاده قرار گرفته و به واسطه آن، عناوین مجرمانه از جرایم سلب می‌گردند و این شیوه به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد. قضازدایی، که ازاهمیت زیادی برخوردار است و در آن، غایت این است که به جای توسل به دستگاه رسمی عدالت کیفری و دادگستری و استفاده از قضات حرفه ای در حل و فصل دعاوی و رسیدگی به تخلفات و جرایم، این وظایف به عهده سایر سازمان‌های مدنی و اجتماعی و شوراهای مردمی گذاشته شود. و نهایتا کیفرزدایی و منظور از آن این نیست که خاصیت جرم بودن عملی را از آن سلب نماییم، بلکه به آن معنی است که دراکثر موارد از شدت مجازات بکاهیم و یا خاصیت کیفری مجازات را از آن سلب نماییم. در سیاست جنایی ایران کیفرزدایی در سه مرحله قابل تصور است مرحله اول در دادسرا و پیش از محاکمه، که با تاسیسات حقوقی خاص خود انجام می‌پذیرد مرحله دوم در دادگاه و در جریان دادرسی قابل انجام می‌باشد و نهایتا پس از محاکمه و صدور حکم قطعی به انجام می رسد در این مقاله سعی شده تاسیس حقوقی آزادی مشروط که در نظام قضایی ایران پس از صدور حکم سبب کیفرزدایی به معنای عام می‌گردد مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. آزادی مشروط فرصتی است که پیش از پایان دوران محکومیت، به محکومان در بند داده می‌شود، تاچنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین میکند، از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورات دادگاه را به مورد اجرا گذارند، از آزادی مطلق برخوردار شوند.

واژه‌های کلیدی: سیاست جنایی، کیفرزدایی، آزادی مشروط

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه

به دلیل پر هزینه بودن و داشتن پیامدهای منفی برخورد کیفری، قانون گذار باید بسیار محتاطانه به سمت استفاده از این ساز و کار گام بردارد. زیرا قانون گذاری که بدون توجه به ضوابط و معیارهای جرم انگاری و واقعیت‌های موجود در جامعه افسار گسیخته و بی حد و مرز به جرم انگاری متوسل می‌شود، نه تنها موفق به کنترل و مهار بزهکاری نخواهد شد بلکه در نتیجه این امر با مشکلاتی از قبیل افزایش عناوین مجرمانه و در نتیجه مداخله گسترده حقوق کیفری روبه‌رو خواهد شد. بنابراین اگر قوانین کیفری متعدد باشند و با حقوق طبیعی و فطری انسانها هماهنگ نباشند، شهروندان از همه آن قوانین تمکین نمی‌کنند و عدم تمکین از مقررات کیفری نیز با ضمانت اجراهای شدید همراه است که موجب عکس العمل متقابل جامعه نسبت به آنها می‌شود. بنابراین حتی الامکان باید کوشید که تدوین قوانین جزایی به عنوان آخرین راه حل باشد نه اولین راه حل و باید تنها به آن دسته از تخلفات ارتکابی که به وجدان عمومی شدیداً ضربه می‌زند و غیر قابل گذشت است، وصف مجرمانه داد و آنها را جرم تلقی کرد.

به زعم کیفرشناسان نو، داعیه‌داران اصلاح مجرمان نتوانستند در مرحله‌ی عمل، صحت نظریه‌ی خود را در مورد قابلیت درمان و بازپروری مجرمان به اثبات رسانند. این ناتوانی، ناشایستگی نظام عدالت درمان گر در انتخاب سیاستی درست و کارآمد برای برخورد با جرم و مجرم را در اذهان عمومی تداعی کرد.

درچنین فضایی، نظام عدالت کیفری برای جبران این شکست وکسب اعتبارومقبولیت مجدد، باخلق مفاهیم و نهادهای جدید، و یا ایجاد تغییر در مفاهیم و کاربری های نهادهای موجود در حقوق کیفری، درصدد کسب بهترین نتایج در کوتاه ترین زمان ممکن و بنابراین احیای خود برآمد. بدین ترتیب، زمینه‌های ظهور کیفرشناسی نو که از یک سو، تامین امنیت عمومی و از سوی دیگر، مدیریت هزینه‌ها را در محور برنامه‌های خود قرار می‌دهد، فراهم شد. کیفرشناسی نو در نیل به اهداف خود، دسته ای از مبانی برای خود در نظر گرفته که با مبانی نظام‌های کیفردهی که تاکنون وجود داشته است، تفاوت فاحش دارد. پیرو این مبانی، کیفرشناسی نو سیاست‌هایی تنظیم و اجرا نموده که با هدف هماهنگ کردن نظام عدالت کیفری با مدل مدیریت محور و امنیت مدار خود صورت گرفته است. در این بین سیاست جنایی ایران نیز با الهام ازچنین فضای به سمت و سوی مقابله با جرم به روش‌های نوین حرکت نموده است. که اجرای اصل کیفر زدایی و جایگزین کردن کیفرهای نوین به جای کیفرهای سنتی بخشی از این تحولات در سیاست جنایی ایران است. در این تحقیق سعی شده مفاهیم جدیدی از مجازات‌ها و چگونگی اجرای آنها همانند آزادی مشروط که نشات گرفته ار کیفرشناسی نو است و در چند سال اخیر مورد توجه مقنن ایران قرار گرفته مورد کنکاش قرار گیرد.

امروزه اگرچه نمیتوان گفت که مجازات زندان به طور کلی مطرود شده است، اما باید اذعان داشت که هدف مهم و اساسی آن یعنی اصلاح بزهکار با شکست مواجه گردیده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۹۵؛ و آشوری و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۹۰-۹۵).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مفهوم کیفرزدایی

کیفرزدایی عبارت است از جرم زدایی ناقص، در این حالت یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی جایگزین کیفر می‌شود ولی عنوان مجرمانه برای فعل ارتکابی حفظ می‌گردد. مفهوم کیفرزدایی بیانگر همهٔ شکل‌های تخفیف در نظام کیفری است، در این معنا تغییر وصف یک جرم از جنایت به جنحه را می‌توان کیفرزدایی تلقّی کرد. کیفرزدایی یعنی محدودیّت، تعدیل و جایگزین کردن مجازات و به بیان دیگر، به معنای تخفیف مجازات و اجتماعی کردن آن است.

کیفرزدایی اشاره به فرآیند قانون گذاری است که طی آن مجازات جرایم ویژه ای کاهش می‌یابد یا به نوعی تغییر می‌کند که اثرات خفّت آور و خوار کننده میراث حقوق کیفری کاسته شود. لذا کیفرزدایی شامل همهٔ شکل‌های جرم و تعدیل در درون نظام کیفری در جهت تخفیف یا حذف یا جایگزینی مجازات‌هاست.

تاریخچهٔ کیفرزدایی

از نظر تاریخی به نظر می رسد نخستین مبدع اندیشهٔ الغاگرایی کیفری را بایدانریکو فری دانست. وی برای اوّلین بار اصطلاح جانشین‌های کیفری را به کاربرد و با توجّه به شکست جنبهٔ عبرت آموزی مجازات، اقدام‌ها و تدابیر اجتماعی در زمینهٔ پیشگیری از بزه کاری که ملهم از اعتقادات سوسیالیستی وی بود تدوین نمود. (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۳ : ۱۵۳)

الغاگرایی کیفری بعد از فری توسّط جنبش دفاع اجتماعی نوین توسعه داده شد. از نمایندگان این جنبش فیلیپو گراماتیکا و مارک آنسل می‌باشند. که البته برداشت واحدی از دفاع اجتماعی ندارند. گراماتیکا خیلی تندرو است و در نظر دارد مفاهیم بزه، مسئولیّت و کیفر را کلاً حذف نماید و خواهان الغای فرآیند کیفری به طور کلّی است. ولی آنسل خواهان حفظ چهارچوب حقوق کیفری و در عین حال قضازدایی از آن می باشد. (پرادل، ۱۳۹۰ : ۱۱۹)

۱- اشکال مختلف کیفرزدایی

کیفرزدایی صور مختلفی دارد که به بیان هر کدام از آنها خواهیم پرداخت. (ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامهٔ جرم شناسی ۱۳۷۷)

۱-۱-کیفرزدایی تقنینی

یکی از راه‌های کیفرزدایی، موزون سازی ضمانت اجرای کیفری توسط خود قانونگذار است. قانون گذار برای رسیدن به این هدف راه حلّ‌های متنوّعی پیش روی خواهد داشت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

نخست: در نظام‌هایی که درجه بندی سه گانه جرایم به جنایت، جنحه، خلاف را معتبر می‌شمارند، قانون گذار می تواند جرمی را از روی درجهٔ جنایی به جنحه تبدیل کند. (رایجان اصلی، مهرداد، تبیین استراتژی عقب نشینی و یا تهدید دامنهٔ مداخلهٔ حقوق جزا و جایگاه آن، مجلّهٔ حقوقی قضایی دادگستری شمارهٔ ۴۱ زمستان ۱۳۸۸)

دوّم: قانون گذار می‌تواند با بهره‌گیری از شیوه های شمارش قانونی، جرایم قابل گذشت را در متن قانون مشخّص و دامنهٔ آن را گسترش دهد.

سوّم: پیش بینی سازوکارهایی چون تخفیف، تبدیل، تعلیق یا معافیت از مجازات، آزادی مشروطوغیره یکی دیگر از راه حلّ‌های پیش روی قانون گذار برای کیفرزدایی است. (همان، صفحهٔ ۱۰۰)

چهارم: سازوکارهای عفو عمومی وازدیاد اسباب سقوط مجازات‌ها جلوهٔ دیگر از کیفرزدایی تقنینی به شمار می رود.

۲-۱ -کیفرزدایی قضایی

نقش مقام‌ها و مراجع قضایی در اجرای سیاست کیفرزدایی در کنار قانون گذار از اهمیّت بسیار برخوردار است. در نظام‌هایی که به تشکیلاتی به نام دادسرا مجهّزند مقام‌های مربوط راهکارهای متعدّدی برای انتخاب دارند برای نمونه بازپرس یا دادستان می‌تواند با بهره مندی از تمهیداتی که قانون گذار پیش بینی کرده است از اختیاراتی مانند منع، تعویق، موقوفی یا تعلیق تعقیب استفاده کنند، همچنین دادرسان نیز می‌توانند از اختیاری که به موجب قانون دارند برای تخفیف مجازات یا تعلیق اجرای آن ویا آزادی مشروط جهت جلوگیری از تورم جمعیت کیفری درخصوص مجرمینی که اصلاح آنها مسجل شده است بهره برداری کنند.

۲- آزادی مشروط

اعطای آزادی مشروط زندانیان را تشویق می‌کند که در مدت اجرای مجازات مستمراً از خود حسن رفتار نشان دهند. علاوه بر آن هدف عدالت کیفری وقتی با اصلاح بزهکار تأمین شد، ادامهٔ مجازات آنها بیهوده است (اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، جلد دوم، چاپ دوم، ۷۸، ص ۲۴۹)

امتیازی که آزادی مشروط نسبت به تعلیق اجرای مجازات دارد آن است که در آزادی مشروط، محکوم علیه متنبه می شود و طعم مجازات را می چشد بنابراین کمتر امکان ارتکاب جرم از سوی وی می‌رود امّا در تعلیق مجازات، محکوم علیه بدون اینکه مجازات را بچشد از تحمل آن معاف می شود و چه بسا که مجدداً مرتکب جرم شود. (زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۷)

آزادی مشروط اختصاص به مجازات حبس دارد امّا با توجّه به مادهٔ ۵۸ قانون مجازات اسلامی منحصر به حبس تعزیری است و حبس حدی را شامل نمی‌شود. (اردبیلی، همان، ص ۲۵۰)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

استفاده از عفو مانع استفاده از آزادی مشروط نیست حتی اگر به کرات از عفو استفاده شده باشد. (نظریات شمارهٔ ۷/۶۶۷۹ -۱۳۶۶/۱۰/۸ و ۷/۱۴۰۷- ۱۳۶۵/۳/۱۱ و ۷/۶۵۶۷۸- ۱۳۷۶/۱۰/۲ ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه)
قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ ضمن پذیرش تأسیس آزادی مشروط و توجّه به ضرورت و فواید عملی آن، نه تنها باعث تغییر برخی از مقرّرات آزادی مشروط زندانیان گردیده و آنها را به گونه ای اصلاح نموده است، که امکان استفاده از آن برای تعدادبیشتری از زندانیان فراهم گردد بلکه نهاد جدید تحت عنوان نظام نیمه آزادی را وارد این قانون کرده است (شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، جلد سوّم، تهران، ۱۳۹۲)

۱-۲ تفاوت آزادی مشروط با تعلیق مجازات

۱-۱-۲-اثر محکومیت کیفری

در تعلیق اجرای مجازات چنانچه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدّتی که از طرف دادگاه مقرّر گردیده مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه و تعزیر تا درجهٔ ۷ نشود محکومیّت تعلیق بی اثر و از سجل کیفری او محو می گردد. امّا در مورد آزادی مشروط با وجود رعایت تمام شرایط مقرّر در قانون، همچنان سابقهٔ محکومیّت در سجل کیفری او باقی می ماند. و این جای بسی تآمّل است.

۲-۱-۲-تحمل حبس

در آزادی مشروط محکوم علیه باید میزان مشخّصی از مجازات را تحمّل کند و بعد از آزادی مشروط استفاده کند امّا در تعلیق اجرای مجازات محکوم علیه می‌تواند بدون تحمّل مجازات هم از تعلیق استفاده کند.

۳-۱-۲-زمان صدورحکم یا قرار

قرار تعلیق مجازات ضمن حکم محکومیّت یا پس از صدور آن صادر می‌گردد امّا حکم به آزادی مشروط پس از قطعیّت حکم حبس محکوم علیه و سپری شدن مدّت مقرّر در قانون صادر و قابلیّت اجرا دارد.

٤-۱-۲- آثار تکمیلی و تبعی مجازات

در تعلیق اجرای مجازات به مجرّد قطعیّت حکم، تمام آثار تکمیلی و تبعی مجازات محکوم علیه زایل می‌شود، به عکس آزادی مشروط که آثار تکمیلی و تبعی مجازات را حتّی بعضاً پس از آزادی محکوم علیه به همراه دارد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۵-۱-۲- اختیاری یا اجباری بودن

محکوم علیه در جریان صدور حکم آزادی مشروط توسط دادگاه می‌تواند آن را قبول یا ردّ کند، امّا پس از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات امکان استنکاف مجرم از آن نیست و باید آن را بپذیرد.

٦-۱-۲- نوع مجازات مقرر در دادنامه

در تعلیق اجرای مجازات، تعلیق به انواع مجازات‌های تعزیری تعلق می‌گیرد مانند مجازات نقدی و غیر نقدی در حالیکه در آزادی مشروط فقط به مجازات حبس تعزیری تعلّق می‌گیرد.

۷-۱-۲- مرجع صادر کننده

صدور قرار تعلیق اجرای مجازات بدون پیشنهاد مرجع از وظایف صرف مقام قضایی دادگاه کیفری است در حالیکه صدور حکم آزادی مشروط به استناد مادّهٔ ۵۸ با پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام به دادگاه صورت می‌گیرد.

۸-۱-۲- مطابق مقرّرات مادّهٔ ٤٧ قانون مجازات اسلامی

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم احصاء شده در این مادّه و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست، در حالیکه بنا به اطلاق مادّهٔ ۵۸ این محدودیّت در خصوص اعطای آزادی مشروط وجود ندارد و هر کس که به حبس تعزیری محکوم گردد دادگاه صادر کنندهٔ حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس، حکم به آزادی مشروط را صادر نماید (همان، ۱۳۹۲)

۲-۲-تفاوت آزادی مشروط با عفو

۱-۲-۲- آزادی مشروط تنها اختصاص به حبس تعزیری دارد، امّا عفو می‌تواند ناظر به انواع مجازات باشد، حتّی اعدام.

۲-۲-۲- تصمیم در خصوص عفو حسب مورد با رهبری یا تصمیم مقنّن است، امّا در آزادی مشروط تصمیم با دادگاه است.

۳-۲-۲- در آزادی مشروط اجرای مجازات معلّق می‌شود، در حالیکه در عفو مجازات بطور کامل متوقّف می‌شود.

۳-۲-تفاوت آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی

در نظام نیمه آزادی اجرای فعالیّت‌های حرفه ای، آموزشی، درمانی، و نظایر اینها در حین تحمّل حبس است، امّا در نظام آزادی مشروط بنابر حکم دادگاه بعد از آزادی زندانی صورت می‌گیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

علاوه برآن استفاده از نظام نیمه آزادی، مستلزم سپردن تأمین است، در حالیکه در آزادی مشروط اخذ تأمین موضوعیّتی ندارد.

۳- شروط اعطای آزادی مشروط

شروط اعطای آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ جهت اطمینان از عدم تکرار جرم به این گونه پیش بینی شده است:

۳-۱- نداشتن سابقهٔ محکومیت به مجازات حبس

بر طبق مادهٔ ۳۸ قانون مجازات اسلامی سابق" هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد. . . " می‌تواند از آزادی مشروط برخوردار شود. اما اگر کسی قبلاً به حبس تعلیقی محکوم شده باشد و مجدداً به مجازات حبس محکوم شود نمی تواند از مقررات آزادی مشروط استفاده کند. " (زراعت، همان، ص ۲۹۲)

امادر قانون مجازات ۹۲ قید بار اول حذف شده است واین بدان معناست که اگر سابقا نیز به حبس محکوم گردیده منعی برای استفاده از آزادی مشروط وجود ندارد.

۳-۲- گذراندن مدت زمانی از محکومیت حبس

ملاک احتساب مدت زمانی است که در حکم دادگاه قید شده و به اجرا درآمده است. دربارهٔ مجازات حبسی که محکوم علیه از تخفیف قانونی و یا به موجب اختیار دادگاه از آن برخوردار شده، مبنای احتساب میزان حبس تخفیف یافته است که برای او تعیین شده است. اگر میزان حبس به دلیل عفو تقلیل پیدا کند میزان مذکور در حکم ملاک است یعنی نصف مجازات مقرّر در دادنامه را باید تحمل کرده باشد نه نصف مجازات تقلیل یافته بعد از عفو. " (اردبیلی، همان)

درقانون سابق ملاک استفاده از آزادی مشروط گذرندان حداقل نصف محکومیت حبس بود امادر قانون مجازات ۱۳۹۲بین حالتی که میزان محکومیت بیش از ده سال است و حالتی که کمتر از ده سال است تمایز قائل شده و در مورد اول نصف ودر مورددوم یک سوم گذراندان حبس ملاک است که از این جهت قانون اخیرمساعدتر وبه سمت کیفرزدایی پیش می رود.

۳-۳- نشان دادن حسن اخلاق

مطابق مادهٔ ۳۸ سابق و ۵۸ قانون مجازات اسلامی دادگاه صادر کنندهٔ دادنامه در صورت وجود شرایط ذیل حکم به آزادی مشروط صادر می نماید:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

هر گاه در مدّت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد." یا همواره از خودحسن اخلاق و رفتار نشان دهد. که هردوعبارت به یک معنا و دارای ابهام مفهومی است چرا که مقنن شاخص و معیاری برای قاضی ترسیم ننموده که بر اساس آن قاضی از تغییر در رفتار او مطلع گردد تا بتواند براساس آن محکوم را مستحق آزادی مشروط تشخیص دهد.

٤-۳- اطمینان از عدم ارتکاب جرم

در قانون مجازات اسلامی سابق بیان شده بود که"هر گاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد".

هرچندکه در قوانین کشورهایی که پروندهٔ شخصیت برای متهم تشکیل می‌شود قاضی آسانتر پی به این موارد می برد اما نکته ای که دراین میان مطرح است این است که حتی وجود پرونده شخصیت نیز با توجه به محتویات آن نمی‌تواند نظر قاضی مبنی بر اطمینان از عدم ارتکاب جرم توسط محکوم در آینده را حاصل نماید. که این نقیصه در سال ۱۳۹۲ به نحوی تعدیل یافته که مطابق بند ب ماده ۵۸ دیگر حصول اطمینان شرط نیست وهمین که حالات محکوم به نحوی باشد که از نظر قاضی پس از آزادی مرتکب جرم نمی‌شود کفایت می کند.

٥-۳- جبران ضرر و زیان ناشی از جرم

درقانون سابق جهت جبران ضرروزیان بیان می‌داشت "هر گاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزهٔ قضایی ترتیبی برای پرداخت داده باشد. "اما در سال ۱۳۹۲ باحذف حالتی که محکوم علاوه بر حبس به جزای نقدی محکوم شده این قضیه را در ابهام برده که آیا در جزای نقدی، نیاز به پرداخت یا موافقت جهت پرداخت وجود دارد یا خیر ویا اینکه در این حالت صرفا ضررو زیان مدعی خصوصی مورد نظر است. بنابراین مقنن باید در درخصوص این ابهام تفسیر نموده تا قانون به صورت شفاف در آمده و از اعمال سلیقه شخصی پرهیز گردد.

٦-۳- التزام به دستورهای دادگاه

"این شرط به صراحت در مادهٔ ۶۰ بیان شده است امّا شرایطی که درماده آمده است جنبهٔ حصری ندارد بلکه تمثیلی است، بنابراین دادگاه در تعیین هر شرطی که در جهت اصلاح و تربیت مجرم باشد آزاد است. شرایط مذکور باید در متن حکم قید شود و دادگاه نمی‌تواند آن را به صورت جداگانه مقرّر نماید و نیز نمی تواند بعد از صدور حکم اقدام به تغییر دستورات کند. " (زراعت، همان، ص ۲۹۱)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

طبق این ماده دادگاه ترتیبات و شرایطی از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص یا گذرندان دوره‌های خاصی را در حکم برای محکوم در مدت آزادی مشروط معین می‌کند که در صورت تخلف از شرایط درمرحله اول به مدت آزادی مشروط اضافه و در صورت تکرار بقیهٔ محکومیت به حکم دادگاه صادر کنندهٔ حکم به مرحلهٔ اجرا در می آید.

٤-مرجع پیشنهاد و صدور آزادی مشروط

دادگاه صادر کنندهٔ حکم قطعی، مرجع صدور آزادی مشروط است. هر گاه دادگاه بدوی، حکمی صادر کند که از ابتدا قطعی باشد یا به آن اعتراض نشود، دادگاه بدوی همان دادگاه، صادر کنندهٔ دادنامهٔ قطعی است. همچنین هر گاه به دادنامهٔ نخستین اعتراض شود و دادگاه تجدید نظر آن را نقض کرده و پس از رسیدگی ماهوی حکم مجدد صادر کند، دادگاه تجدید نظر، دادگاه صادر کنندهٔ حکم قطعی خواهد بود همانگونه که اگر دیوان عالی کشور دادنامه ای را نقض کند دادگاه هم عرض دادگاه صادر کنندهٔ حکم قطعی است.

ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه نیز در نظریّهٔ شمارهٔ ۷/۵۷۷۶- ۱۳۷۷/۱۲/۲۶ اظهار نظر کرده است : "با توجّه به مادهٔ ۳۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی و مادهٔ ۲۵ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری، هر گاه حکم دادگاه بدوی با عدم طرح در مرجع تجدید نظر قطعی گردد رسیدگی به تقاضای آزادی مشروط و نیز تخفیف مجازات با دادگاه بدوی است و اگر مورد تجدید نظر خواهی واقع شده باشد رسیدگی مذکور با دادگاه تجدید نظر است، اعم از اینکه حکم بدوی را تأیید یا ضمن فسخ حکم بدوی مبادرت به صدور حکم دیگری نموده باشد. "

مطابق مادهٔ ۵۹ ق. م. ا: "مدّت آزادی مشروط بنابه تشخیص دادگاه کمتر از یکسال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود. "

٥- لغو آزادی مشروط

طبق مادهٔ ۶۱ ق. م. ا در صورت تخلف از شرایط تعیین شده از سوی دادگاه و یا ارتکاب جرم مجدد بقیهٔ محکومیت به حکم دادگاه به مرحلهٔ اجرا در می‌آید. اگر آزادهٔ مشروط، در زمان آزادی مرتکب جرم جدیدی شود، ملاک احراز زمان تخلف از شرایط آزادی مشروط، تاریخ وقوع جرم جدید است لکن زمان امکان اصدار حکم به اجرای بقیهٔ مجازات، تاریخ قطعیت محکومیت به علت ارتکاب جرم جدید می‌باشد.

البته صرف ارتکاب جرم مجدد برای اجرای بقیهٔ محکومیت قبلی ایراد دارد. زیرا چه بسا شخص بعد از تعقیب برائت حاصل کند بنابراین باید اعمال مجازات قبلی منوط به محکومیت قطعی جدید شود.

در مورد اینکه ارتکاب جرم جدید از موارد تکرار جرم می‌باشد ابهام وجود دارد زیرا حکم به صورت کامل اجرا نشده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

آزادی مشروط تأسیسی است که موجب می‌گردد چنانچه محکومعلیه در دوره ی آزادی آزمایشی، به اعتماد دستگاه قضایی پاسخ مثبت دهد، از آزادی قطعی برخوردار شود. اجرای آزادی مشروط در جهت نفع محکوم و جامعه، می‌تواند به اصلاح و تربیت بزهکار کمک کند و او را برای بازگشت قطعی به کانون خانواده‌ی خویش و جامعه ترغیب نماید .همچنین نهاد مذکور، علاوه برتأکید بر اصلاح مجرم و کاهش هزینه‌های دولت، موجب کاهش آمار زندانیان شده و در صورت قطعیت، معایبی که مجازات حبس به دنبال دارد را کاهش می‌دهد.

در همین راستا، قانونگذار ایران از دیرباز با پذیرش تأسیس قضایی آزادی مشروط، گام‌های مؤثری در راستای اجرای سیاست کیفرزدایی و به طور خاص زندانزدایی برداشته است که این مقررات در قوانین سابق از جمله قانون مجازات ۱۳۷۰ دارای ابهامات و نواقصی بود که خوشبختانه با تدبیر و درایت قانونگذار محترم، این نواقص در قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ تا حدودی مرتفع گشته است.

از جمله پیشنهاداتی که میتوان در راستای کارآمدتر شدن نهاد مذکور مطرح نمود، عبارتند از:

۱- شایسته است شرایط اعطای آزادی مشروط از بدو ورود مجرم به زندان، توسط دایره‌ی اجرای احکام دادگستری یا زندان‌ها به وی تفهیم گردد. این امر سبب خواهد شد که زندانی از همان بدو ورود به صورت هدفمند، در راه تحصیل شرایط مقرر در قانون و اصلاح خویش تلاش کند و بدین ترتیب از آثار سوء ناشی از حبس همچون ارتکاب اعمال خلاف قانون در دورهی محکومیت خودداری نموده و راه اصلاح را بپیماید.

۲- حتمیت و قطعیت در تحت مراقبت قرار دادن محکوم در هنگام تحمل حبس، در جهت تحصیل شرایط لازم و همچنین در طول مدت آزادی مشروط در جهت عدم تخلف از شروط قید شده در حکم آزادی، به صورت جدی انجام پذیرد تا امکان سربلند بیرون آمدن محکوم از این دوره‌ی آزمایشی افزایش یابد.

۳-جهت یکپارچه کردن قوانین، ماده واحدهی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب۱۳۳۷ تا آنجایی که با ماده ی ۵۸ قانون مجازات ۱۳۹۲ مغایرتی ندارد، تحت عنوان یک ماده ی مکرریا تبصره، به قانون جدید الحاق شود تا نواقصی مانند چگونگی استفادهی محبوسین دائم از مقررات آزادی مشروط برطرف شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

۱-آنسل، مارک، ۱۳۹۱دفاع اجتماعی، ترجمه ی علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش

۲- ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامۀ جرم شناسی ۱۳۷۷

۳- ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰) دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

۴- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، جلد دوم، چاپ دوم، ۷۸

۵- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمۀ علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اوّل، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری نشر یلدا، ۱۳۷۳

۶- رایجان اصلی، مهرداد، تبیین استراتژی عقب نشینی و یا تهدید دامنۀ مداخلۀ حقوق جزا و جایگاه آن، مجلّۀ حقوقی قضایی دادگستری شمارۀ ۴۱، زمستان ۱۳۸۸

۷- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۸۰،

۸-شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد سوّم، انتشارات مجد، چاپ اوّل، تهران، ۱۳۹۲

۹-لازرژ، کریستین، ۱۳۹۰، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]